

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Letters & Suggestions

نامه ها و پیشنهاد ها

شمی صلواتی
۲۲ جون ۲۰۲۲



شمی صلواتی

نامه ای به خانم مبارز و برابری طلب از افغانستان «انارکلی هنریار»

باسلام و آرزوی تندرستی خانم هنریار!!

غرض از این نامه دلیل گفتاری ست که به نقل از شما در دنیای مجازی نشر شده است ...

«یک مشت خاک وطن را با خود آورده ام و هرزمانی که دلم برای وطن تنگ می شود آن را بو می کشم.»

باید یاد آور شوم که من شما را از دور می شناسم مصاحبه های شما را با رسانه در افغانستان را دنبال کردم...

با توجه به قدرت بیان شما در تصویر کردن نابرابریها و افکار ترقی خواهانه، برای من و دیگر انسانهای آریخواه در مبارزه با جهالتها جای قدر و قابل تحسین بوده و هستید...

خانم انارکلی هنریار

گفتار شما مرا به سوی سؤالاتی برد که هم اکنون معضل فکری من شده است..

سؤالاتی انسانی با توجه به آگاهی از وضعیت زندگی مردم هندو و تاریخ سه هزار ساله آنها در افغانستان کنونی که از اکثریت آن دیار بودند و متأسفانه امروز بر اثر اذیت و آزار مسلمانان به اقلیت کمی رسیدند «جای تأسف، و خیلی غم انگیز است...»

شما علی رغم این همه نامهربانی ها، از وطن یاد کردید،

کدام وطن؟

شما باید به ما یاد بدهید که وطن را چگونه باید معنا کنیم

بدون شک خاطرات حک شده در ذهن شما از همسایگان خوب، دوستان و عزیزانی که با آنها بزرگی شدید، شاید دلیلی برای معنائی از وطن باشد .

یک رابطه عاطفی که خیلی هم انسانیست. عزیزانی که در شرایط سخت زندگی، همدل و رفیق، یاور شما بودند..

اما تصویر زندگی تلخ با خاطرات بد و جلای دیار به اجبار، در ذهن من ریشه دار است.

درد و زخمهای کهنه و عفونی شده شما در افغانستان از هموطنان نامهربان، به تصور دارم و برابم قابل لمس است.

وقتی که بعضی از همسایگان با پرتابهای سنگ پنجره‌های شما را آگاهانه هدف قرار می دادند،،

وقتی همه چیزشان را از شما جدا می کردند وقتی که شما را نجس و کافر خطاب می کردند

و شما به اجبار در اوج تنهایی در خلوتگاه خود با احساس بی کسی اشک می ریختید .

آنوقت وطن مانند بیابانی نبود با خطر بی رحمی ها!!! شما در آن لحظه‌ها تنهایی را، بی وطنی را احساس نمی کردید.

افغانستان قبل از اسلام را، هندو ها از آن پاسداری می کردند و بیشتر شهروندان آن دیار را هندوها تشکل می دادند ..

اسلام بعد از چندین بار حملات خونین به همین هندو های عزیز و کشتار بی رحمانه آنها بود که افغانستان را فتح کرد.

تصرف کابل به فرماندهی شاه دو شمشیر «قیس بن عباس» جنایتکاری که بی رحمانه در ابتدای فتح کابل به فرمان او پنج هزار زن و کودک را سر بریدند...».

در همین جنگ بود که انتقام آن مردم نگوخت به دست "اسفندیار رستم داد" سر جنایتکار عباس بن قیس از تن جدا شد

و خود رستم داد این قهرمان قابل تحسین که امروز جز گمنام نامان تاریخ است جان باخت.

خانم انارکلی هنریار!!!

این نامه فقط یک بهانه منطقی بود تا قدر دان آن قلب بزرگ و آن احساسات انسانی شما باشم که چقدر باید بزرگ و بخشنده بود تا نامهربانی را به دور از کدورت‌ها، به دور از حس انتقام، با آن همه تحقیر هاو تبعیضات، آن همه تعرضات را به دل نگرفت، و عاشقانه دلتنگ همان همسایه هائی بود که بر اثر جهل شما را مورد آزار قرار می دادند،

در پی امید به دیدارشان دل تنگ و امیدوار بود....»

کاش همه ما مردم، صرفنظر از قومیت و جنسیت مثل شما انسانیت و همدلی را پیشه کنیم و با تلاش برای ریشه کن کردن جهل، در کنار شما و باشما، با دیگر زنان آزادیخواه افغانستان همگام شویم.

با آروزی موفقیت دستان گرم‌تان را می فشارم!

بیست جون ۲۰۲۲ میلادی

"شمی صلواتی"